

تحلیلی بر مفهوم رنگ و نقاشی در آثار دیوارنگاره های گیلان

استادیار گروه هنر: جناب آقای دکتر علی محمودی عالمی

alimahmodialami@yahoo.com

نام دانشجو: آزیتا نمک شناس

کارشناسی ارشد پژوهش هنر

موسسه آموزش عالی مارلیک نوشهر

a.nmkshenas@gmail.com

بهار ۱۴۰۱

چکیده

نقاشی‌های دیواری به عنوان یکی از مهمترین منابع مورد مطالعه جهت بررسی سبک نقاشی آن دوره به شمار می‌روند. در هنر نگارگری و به خصوص نقاشی‌های دیواری شاهد استمرار سنن گذشته و همچنین نظاره‌گر ابداعاتی هستیم که حاصل تأثیرپذیری از هنر سایر ممالیک است. هدف این مقاله، نمایش میزان توجه به مضامین ایرانی، میزان وفاداری به شیوه‌های اجرای نقاشی دیواری، ارائه تاریخی از نقاشی‌ها و پیوند میان آنها می‌باشد. علاوه بر این پس از معرفی نمونه‌های برجای مانده نقاشی‌های دیواری این دوره با تمرکز بر دیوار نگاره‌های گیلان به معرفی، شیوه نقاشی، بررسی مضامین، سبک و شیوه اجرای آنها پرداخته خواهد شد. در اکثر این آثار تداوم اندیشه نمایش قدرت، تعامل میان نقاشی ایران و اروپا و گرایش به نوعی رئالیسم ملاحظه می‌شود که این آثار را به نمایه‌های ارزشمندی برای شناخت فرهنگ آن دوران بدل نموده است. روش به کار رفته در این تحقیق، به صورت اسنادی و مشاهده مستقیم و غیر مستقیم نقاشی‌های دیواری در کتب و مقالات مرتبط با این موضوع بوده است.

واژگان کلیدی: بقاع متبرکه گیلان، دیوارنگاره مذهبی، نقاشی دیواری

مقدمه

دیوارنگاری به عنوان یکی از عناصر هنری در طول تاریخ همواره از اهمیت خاصی در تزیین داخل کاخ‌ها و کوشک‌ها داشته است. نمود نقاشی دیواری در ایران از دوره اشکانیان قابل مطالعه است. تصاویری که نقاشان پارتی در تزیین دیوارها و سقف به نمایش در آورده‌اند، مضامینی همچون صحنه‌های مذهبی، درباری، شکار و نیروهای نظامی را دربر می‌گیرد (پاکباز، ۱۳۸۰: ۲۴-۲۶). در این دوره تاثیر هنر یونانی بر آثار آشکار است، اما در دوره‌ی ساسانی شاهد شکل‌گیری الگوهای ایرانی در هنر نقاشی دیواری هستیم. در این نقاشی‌ها قهرمانان اساطیری ایران مطرح می‌شود. این هنر و الگوها قبل از اسلام بر هنر دیوارنگاری همسایگان از جمله در کاخ توپراق قلعه خوارزم، در معابد، کاخ‌ها و خانه‌های سغد (بخارا و سمرقند) و کاخ بالالیق تپه در جنوب ازبکستان از طریق رابطه‌ی تجاری و فرهنگی تاثیر بسزایی گرفته است. نقاشی‌های دوران اسلامی، به‌طور کلی، به چهار